

دست‌آورد سازمان دانش بومی و فرهنگ شفاهی ایران باختری
شماره‌ی دهم

در جستجوی هنر باستانی بافندگی

در

فرش گردی

(کلیایی، کرمانشاه، هرسین)

محمدرضا (فریبرز) همزه‌ای

(عضو هیات علمی دانشگاه رازی)

انتشارات دانشگاه رازی

۱۳۹۲

سرشناسه : همزه ای، محمد رضا، -۱۳۷۸
 عنوان : در جستجوی هنر باستانی بافندگی در فرش کردی (کلیایی، کرمانشاه، هرسین)
 مشخصات نشر : کرمانشاه، دانشگاه رازی، ۱۳۹۲-۲۰۱۳ م.
 مشخصات ظاهری : ۲۶۲ ص، مصور.
 فروست : دانشگاه رازی؛ ۲۶۲ : جامعه شناسی؛ ۶
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۵۸-۶۴-۰
 یادداشت : کتابخانه
 یادداشت : نمایه
 یادداشت : واژه نامه
 موضوع : قالی و قالی باقی -- ایران -- کرمانشاهان
 موضوع : بافندگی -- ایران -- کرمانشاهان
 شناسه افزوده : دانشگاه رازی
 رده بندی کتبه : ۱۳۹۱ / ۸۳ الف / ۹ NK/۲۸۰۹
 رده بندی دیویی : ۷۲۶/۷۹۵۵۴۲



انتشارات دانشگاه رازی

عنوان کتاب: در جستجوی هنر باستانی بافندگی در فرش کردی (کلیایی، کرمانشاه، هرسین)

تألیف: محمد رضا (فریبرز) همزه ای

ناشر: دانشگاه رازی

تاریخ و ثوبت چاپ: ۱۳۹۲-اول

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: غرب اسکنر ۵-۷۲۹۸۹۲۴

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۵۸-۶۴-۰

قطع: وزیری

مراکز پخش: تهران: مرکز نشر دانشگاهی ۸۸۵۵۶۱۶۸ - کتابیران ۱۵ - ۶۶۵۶۶۵۱۰ - دانشیران ۶۶۲۱۶۱۷۶

Tehran: Ketabiran: 021 66566510-5 Daneshiran: 021 66416176

کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی - تلفکس ۰۸۳۱ - ۴۲۸۰۸۰۲

Kermanshah: 0831- 4283982- 4280802

Email: publication@razi.ac.ir

مسئولیت درستی مطالب به عهده نویسنده می باشد.

(حق چاپ برای ناشر محفوظ است)

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۵	بخش نخست
۵	۱- روش پژوهش
۶	۲-۱ کتابشناسی
۷	۳-۱ مفهوم شناسی
۹	۴-۱ زبان نگارش
۱۰	۵-۱ شیوه‌ی آوانگاری واژه‌های بومی
۱۵	بخش دوم
۱۵	۲- سخن آغازین
۱۵	۱-۲ زیستگاه‌های طبیعی و فرهنگی ایران باختری
۲۰	۲-۲ فرهنگ شفاهی و دانش بومی
۲۷	بخش سوم
۲۷	۳- هنر بافندگی در کلیایی و کرمانشاه
۲۷	۱-۳ پیشینه‌ی کهن بافندگی در ایران
۲۹	۲-۳ قالی پازیریک (Pāzirik)

۳۱	۳-۳ سنت بافندگی در کرمانشاه
۳۱	۳-۳-۱ روایت‌های شفاهی در باره‌ی فرش در کرمانشاه
۳۲	۳-۴ نگاهی کوتاه به تاریخ و فرهنگ مردم کلیایی
۳۳	۳-۵ خرافه و باور در باره‌ی فرش کلیایی
۳۴	۳-۶ ویژگی‌های قالی کلیایی
۳۶	۳-۷ شیوه‌ی تهیه‌ی پشم و خامه‌ی قالی کلیایی
۴۰	۳-۸ رنگرزی پشم و خامه‌ی قالی کلیایی
۴۵	۳-۹ طرح و نقشه‌ی قالی کلیایی
۶۷	۳-۱۰ خواندن شعر در هنگام بافت فرش کلیایی
۶۸	۳-۱۱ ابزار بافت فرش کلیایی
۷۶	۳-۱۲ روند بافت فرش کلیایی
۸۶	۳-۱۳ پایان کار فرش کلیایی
۸۷	۳-۱۴ نارسایی‌های بافت فرش کلیایی
۸۸	۳-۱۵ آیین مربوط به بافت فرش کلیایی
۸۹	۳-۱۶ ارزش اقتصادی فرش کلیایی
۹۰	۳-۱۷ شیوه‌ی نگهداری فرش کلیایی
۹۱	۳-۱۸ شیوه‌ی رفوی فرش کلیایی
۹۲	۳-۱۹ پیامدهای بدنی ناشی از بافتن فرش کلیایی
۹۳	۳-۲۰ معرفی قالیافان برجسته‌ی استان کرمانشاه
۱۰۲	۳-۲۱ بافته‌های کرمانشاه
۱۰۲	۳-۲۱-۱ گبه (Gabe)

۱۰۴	۲-۲۱-۳ جاجیم (Jājim)
۱۰۴	۳-۲۱-۳ موج
۱۰۸	۴-۲۱-۳ نمذ

بخش چهارم ۱۱۱

۱۱۱	۴- هنر بافندگی هرسین
۱۱۱	۴-۱ ساختار اقتصادی
۱۱۱	۴-۲ صنعت
۱۱۲	۴-۳ سنت بافندگی در هرسین
۱۱۴	۴-۴ گیوه بافی در هرسین
۱۲۵	۴-۵ هنر بافت روانداز در هرسین
۱۲۵	۴-۵-۱ جاجیم هرسین
۱۲۷	۴-۵-۲ موج هرسین
۱۲۸	۴-۶ هنر بافت زیرانداز در هرسین
۱۲۸	۴-۶-۱ فرش هرسین
۱۳۲	۴-۶-۲ فرش بافی در هرسین
۱۴۱	۴-۶-۳ گبه بافی در هرسین
۱۴۴	۴-۶-۴ گلیم بافی در استان کرمانشاه
۱۵۲	۴-۶-۵ ویژگی های گلیم هرسین
۱۵۵	۴-۶-۶ نقش های گلیم هرسین
۱۸۶	۴-۶-۷ ماده های مورد نیاز گلیم هرسین

۱۹۲ ۷-۴ نمد مالی در هرسین

۱۹۵ ۸-۴ رنگرزی سنتی هرسین

۱۹۸ ۹-۴ مرکز صنایع دستی هرسین

بخش پنجم ۲۰۳

۲۰۳ ۵- سرنوشت هنر بافندگی سنتی

۲۰۳ ۱-۵ گمانه‌های جامعه‌شناختی در پیوند با گره‌ی قالی

۲۱۵ ۲-۵ پدیده‌ی هنری: ذهنی بافی در قالی و گلیم هرسین

۲۱۵ ۱-۲-۵ ذهنی بافی در رنگی

۲۱۷ ۲-۲-۵ ذهنی بافی در نقش یا گل

۲۱۷ ۳-۵ پاسداری از هنر و ذهنی بافی

۲۲۲ ۴-۵ گمانه‌های پایداری در پیوند با بافندگی

۲۳۱ کتاب‌نامه به زبان فارسی

۲۳۱ کتاب‌نامه به زبان‌های اروپایی

۲۳۵ واژه‌نامه‌ی بافندگی

۲۴۱ فهرست نگاره‌ها

۲۵۱ پیوست

۲۵۹ نمایه

در باره‌ی تکرانده

پیشگفتار

از دیدگاه جامعه‌شناختی می‌توان جهان کمری زمین را به دو زیستگاه بزرگ بخش کرد. یکی زیستگاه طبیعی که همه‌ی جانداران و دیگران را در بر می‌گیرد و در میان این جانداران انسان تنها یکی از ییشمار است. در برابر جانداران دیگر، انسان توانایی‌های بسیاری برای پایداری در جهان خود را ندارد؛ در سرما و گرما از پا می‌افتد، نه می‌تواند پرواز کند و نه به خوبی بدود، به جز میوه‌ها و برخی از سبزی‌ها، معده‌اش یارای خام‌خواری را ندارد، دندان‌هایش بسیار ناتوان است.

ولی انسان دارای نیروی اندیشیدن است و با این نیرو توانسته زیستگاه دیگری را بسازد که همانا زیستگاه فرهنگی اوست. او جانداري ابزارساز است. از این رو همه‌ی آن سازوکارها و روش‌ها و شیوه‌هایی را که او را یاری می‌دهند تا با ابزارهای خود در زیستگاه طبیعی دشوارش زندگی کند، می‌توان زیستگاه فرهنگی او نامید. اگر چه انسان شاید تنها جانداري نباشد که دارای زیستگاه فرهنگی است، ولی هیچ جاندار دیگری نیست که از چنین زیستگاه فرهنگی سرگ، پیچیده و گسترده‌ای برخوردار باشد.

زیستگاه فرهنگی انسان را دو دسته فرهنگ ساخته‌اند: یکی فرهنگ مادی و دیگری فرهنگ غیرمادی. فرهنگ مادی همه‌ی آن ساز و کارها و شیوه‌هایی را در بر می‌گیرد که در پاسخ به نیازهای مادی انسان پدید آورده شده‌اند و فرهنگ غیرمادی به همه‌ی آن چیزهایی گفته می‌شود که نیازهای غیرمادی او را برآورده می‌کنند.

در میان همه‌ی نیازهای مادی انسان، یکی نیز برآمده از ناتوانی او در برابر سرما، گرما، زبری و سختی جهان طبیعی است و فرهنگ پوشش نیز پیامد یکی از برجسته‌ترین تلاش‌های او در برابر این ناتوانی شمرده می‌شود.

در این پژوهش به بخشی از تلاش‌های انسان در راستای فرهنگ پوشش در یکی از کهن‌ترین جامعه‌های بشری در باختر فلات ایران و خاور میانه‌روان پرداخته می‌شود که به گفته‌ی بسیاری از پژوهشگران یکی از گهواره‌های تمدن بشری بوده است.

تاریخ تمدن این بخش از جهان به چند ده هزار سال می‌رسد که نشانه‌های آن در غارهای کوهستان‌های این سرزمین یافته شده‌اند. در گنج‌دره‌ی هرسین و دینور نیز نشانه‌های بسیاری از تمدن پیشرفته انسان در نزدیک به دوازده هزار سال پیش یافته شده‌اند.

ایالت پیشین کرمانشاهان که در دوره‌ی بهلولی استان پنجم نامیده شد، در دهه‌های کنونی به پنج استان ایلام، کردستان، کرمانشاه، لرستان و همدان بخش شده است. ایالت کرمانشاهان با بخش‌های همجوارش در عراق، خاستگاه تمدن‌های شکوفایی چون آشور و بابل در دوران باستان بوده است. این سرزمین خود بخشی از تمدن ایلام باستان نیز بوده است. این جا همان ایرانشهر ساسانیان است که پایتخت خود را در شهر مداین یا تیسفون ساخته بودند. هم چنین هرسین یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران است که از دوران پیش از تاریخ تا کنون زیستگاه نسل‌های گوناگون انسان‌ها بوده است.

شاید دلیل‌های گوناگونی مانند داده‌های طبیعی و جغرافیایی در این میان نقش مهمی را داشته‌اند تا پدیدار شدن این همه تمدن‌های بزرگ را به گونه‌ای امکان‌پذیر ساختند. در میان این عامل‌ها، بی‌گمان سراب‌های پرآب و کوه‌هایی را که دره‌های بارور را از چهار سو بسته‌اند می‌توان نام برد. همین داده‌های طبیعی چنان به خوبی با هم گرد آمده‌اند که به گفته‌ی بیننده‌ای برای خود بهشت کوچکی بوده است. در جای جای دره‌ی هرسین تا دشت بزرگ بیستون همه جا نشان از تاریخ تمدنی این بخش از ایران باختری را دارد که در گنج دره، و دینور، تپه‌ی گودین و سراب و بسیاری دیگر به هزاران سال پیش باز می‌گردند.

برای نشان دادن بخشی از فرهنگ پوشش این سرزمین دیرینه، بیشتر از هر چیز به هنر بافندگی پرداخته شده که فرش، گلیم، جاجیم، گبه و گیوه از همه برجسته‌تر و شناخته شده‌تر هستند. بیشترین بخش این پژوهش دستاورد کارهای میدانی است که گاه به یاری فراوان دوستانی بستگی داشته که بدون آن به‌راستی انجام این کار ناشدنی می‌بود. در این میان به ویژه از دوشیزه مهتاب عزیزی و دوشیزه نرگس میرزایی تبار دانشجویان رشته‌ی ترویج و توسعه‌ی کشاورزی دانشگاه رازی و آقای بهروز عزیزی از بستگان نگارنده در هرسین سپاسگزاری می‌گردد.

بخش نخست

۱) روش پژوهش

پژوهش پیش رو یک تک‌نگاری مردم‌شناختی در باره‌ی هنر بافندگی در میان دو گروه از گویشوران کردی جنوب در استان کرمانشاه است. روش به کار گرفته شده در این پژوهش میدانی و بیش از همه ژرفانگر و توصیفی است. در این راستا تلاش شده تا به توصیف هنری پرداخته شود که در حال ناپدید شدن است و از این رو مستند ساختن آن از اهمیت ویژه برخوردار خواهد بود. چنین می‌نماید که دو سرزمین هرسین و کلیایی از کانون‌های بافندگی در باختر کشور بوده‌اند که در دوران‌های گوناگون، صنعت کاران آنجا پس از شکوفایی شهر کرمانشاه، دانش بومی خود را به ویژه در دوران قاجار به این شهر و آنگاه دیگر شهرهای دور و نزدیک نیز برده‌اند.

برای مستند کردن هنر بافندگی سرزمین‌های یادشده، افزون بر توصیف زبانی، از تصویر نیز بهره گرفته شده که جدا از چند مورد که برگرفته از کتاب‌های چاپ شده هستند، همگی برای همین پژوهش از سوی نگارنده و همکارانش گرفته شده‌اند. از این دو تنها نام منبع‌های شمار کمی از تصویرها که برگرفته از کتاب‌های دیگر هستند، در زیر آن‌ها آورده شده است.

۱-۲) کتاب‌شناسی

تا کنون چند پژوهش در باره‌ی هنر بافندگی کرمانشاه انجام گرفته است. در آغاز دوران پس از انقلاب از سوی یک گروه از "مرکز مردم‌شناسی" در باره‌ی هنرهای بومی و سنتی کرمانشاه پژوهشی بسیار ارزنده انجام گرفته که با چاپ زیبایی نیز انتشار یافته است. افزون بر آن یک پژوهش نیز از سوی دکتر عبدالحمید پاپ زن و همکارانشان در باره‌ی دست‌آفریده‌های ایل کلهر انجام گرفته که در دست انتشار است. پژوهش دیگری نیز از سوی دکتر امیر حسین علی‌یگی و همکارانشان در باره‌ی گیوه‌ی هورامی به تازگی پایان یافته که نمونه‌ی آن در کتابخانه‌ی معاونت هنرهای سنتی و صنایع دستی کرمانشاه وجود دارد. نگارنده نیز پیش از این، پژوهشی را در باره‌ی گلیم هرسین را، با پشتیبانی مالی معاونت هنرهای دستی و صنایع دستی کرمانشاه به انجام رسانده است. پس، برای خودداری از دوباره‌کاری، نگارنده از پرداختن به موضوع‌هایی که در پژوهش‌های دیگر پژوهشگران آمده، پرهیز کرده و تلاش نموده تا در پی کارهای انجام شده، به میدان‌های دیگری بسنده کند و خوانندگان را برای آگاهی بیشتر به پژوهش‌های یادشده‌ی بالا فرا می‌خواند.

از آن جا که برخی تنها یک شیوه‌ی منبع‌نگاری را به کار می‌برند، یادآور می‌شود که در جهان چندین شیوه‌ی زیرنویسی و منبع‌نگاری وجود دارد که به پژوهشگران امکان می‌دهد تا روشی را برگزینند که برای رشته و یا موضوع پژوهشی مناسب‌تر است. گاهی نیاز خواهد بود که در همان صفحه کتاب معرفی شود؛ در حالی که در موردهایی با چنین نیازی وجود ندارد و یا این که رشته‌ی سخن را پاره می‌کند. نگارنده از زمان‌های گذشته تا کنون، پیرو سرشت پژوهشی خود، از دو شیوه بهره گرفته است که یکی برای کارهای "بیشتر" میدانی و دیگری برای کارهای "بیشتر" تحلیلی است. در مورد نخست که منبع‌های کتاب‌خانه‌ای چندان فراوان نیستند، منبع را در همان صفحه و در زیر نویس معرفی می‌نماید؛ که در زیرنویس، نخست اسم کوچک می‌آید؛ ولی در کتابنامه نخست نام خانوادگی خواهد آمد. در کارهای